

بررسی تفاوت‌های سبک نحوی زنانه و مردانه در اثر سووشون دانشور و سه‌تار

آل احمد

واژگان کلیدی

* سبک نحوی زنانه

* سبک نحوی مردانه

* جلال آل احمد

* سیمین دانشور

* سووشون

* سه‌تار

دکتر شیمای ابراهیمی * Shima.ebrahimi@yahoo.com

دکترای زبان‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد

چکیده

توجه به جنسیت و رابطه آن با زبان اثر، از مباحث مهم در حیطه سبک‌شناسی است. پژوهشگران بسیاری بر این باورند که بین سبک نویسندگان زن و مرد تفاوت معناداری وجود دارد. در این پژوهش سعی بر آن است تا ویژگی‌های سبک نحوی دو اثر سووشون دانشور و سه‌تار آل احمد به عنوان دو نمونه منتخب از نویسندگان زن و مرد مورد بررسی قرار گیرد. با استفاده از روش نمونه‌برداری تصادفی نظام‌مند، در مجموع ۱۰ صفحه از آثار برگزیده شد. سپس تفاوت‌های نحوی آن‌ها استخراج شد و مورد تحلیل قرار گرفت. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد دانشور به لحاظ دستوری از جملات ساده‌تر و کوتاه‌تری استفاده کرده است. از حیث مفهوم، میزان کاربرد جملات خبری، پرسشی و عاطفی در هر دو اثر تقریباً یکسان بوده است، اما جملات امری، در نوشته دانشور بیشتر به چشم می‌خورد. همچنین کاربرد جملات همپایه، ناهمپایه، پایه و پیرو در هر دو اثر تقریباً مشابه است. البته باید در نظر داشت که دانشور بیشتر از آل احمد، فعل و فاعل جملات را حذف کرده است. در نهایت، مشخصه‌ای که می‌توان با قطعیت به جنسیت نویسنده ربط داد این است که کاربرد جملات ساده و کوتاه، مختص نویسنده زن است و نوشتاری که بیشتر مقید به دستور و منظم‌تر نوشته شده است، مختص نویسنده مرد است.

۱- مقدمه

مروری بر تاریخ زبان فارسی نشان می‌دهد که در میان آثار گذشتگان، یکی از مباحث قابل بررسی در ادبیات بررسی «سبک نوشتاری» بوده است و نویسندگان و شاعران در خلال آثارشان از سبک خویش و دیگران بسیار سخن گفته‌اند. «سبک» انتخاب آگاهانه یا ناآگاهانه ساختارهای زبان است که از زمان اراسموس^۱ در سده شانزدهم میلادی مطرح بوده و اکنون نیز در مطالعات نوین مورد پسند اهل فن است (وردونک^۲، ۲۰۰۲). نحوه ترکیب اجزای جمله‌ها و روابط بین آن‌ها در شکل‌گیری معانی نقش عمده‌ای ایفا می‌کند. بنابراین در صورتی که رابطه میان سبک و اندیشه را بپذیریم و نحو را سازنده اندیشه و حامل آن بدانیم، بایستی به پیوندی استوار بین ساختار نحوی جملات و سبک نیز قائل باشیم (توفته^۳، ۱۹۷۱: ۴). در این رهگذر بررسی مقوله‌های نحوی در سبک پژوهی، اهمیت بسیار یافته و کشف پیوند میان ساختارهای نحوی و معنای سخن، بخشی از بررسی‌های سبک‌شناختی را در برمی‌گیرد و به بررسی مسائلی از قبیل کیفیت نظم واژه‌ها در جمله (نسبت نظم پایه و جابجایی در ساختار نحوی)، ساختمان جمله (ساده، مرکب، پیچیده، و پیچیده مرکب)، طول جملات (بلندی و کوتاهی)، پیوستار بلاغی جمله‌ها (هم‌پایگی، وابستگی، استقلال، تناوب، توازن، تقابل و تضاد)، ساخت و نقش معنایی جمله‌ها (خبر و ابلاغ، پرسش، امر، نداء، تعجب) و وجهیت و صدای دستوری و رابطه آن با دیدگاه نویسنده می‌پردازد (فتوحی، ۱۳۹۰: ۲۶۸).

از سوی دیگر، توجه به جنسیت و رابطه آن با زبان اثر، از مباحث مهم در حیطه سبک‌شناسی است و پژوهشگران بسیاری بر این باورند که بین سبک نویسندگان زن و مرد تفاوت معناداری وجود دارد. می‌توان گفت نویسندگان مرد همواره بر ادبیات کشور ما سیطره داشته‌اند. اما آثار فراوانی به قلم زنان نیز در قلمرو ادبیات به چشم می‌خورد. گرچه تقسیم ادبیات به ادبیات مردانه و زنانه خیلی موجه نمی‌نماید، اما دیدگاه‌هایی نیز وجود دارد که به تأثیر جنسیت نویسنده در خلق جهان ویژه او قائل است. به عقیده جرج لیکاف^۴ (۱۹۷۵) - اولین مطرح‌کننده زبان زنانه و مردانه - زبان زنان، پست‌تر است و بر مطالب بی‌اهمیت و واکنش‌های عاطفی تأکید دارد. به بیان وی، زنان با گفتارشان متکلم را تشویق به ادامه گفتار می‌کنند، استانداردهای

¹ Erasmus

² Verdonk

³ Tuft

⁴ Lakoff

زبان را بیشتر رعایت می‌کنند و نشانه‌های موافقت بسیاری در گفتارشان وجود دارد؛ در مقابل زبان مردان نیرومندتر است (سلدن و ویدوسون^۵، ۱۳۷۷: ۲۶۳). جنیفر کوتس^۶ مکالمات مردانه را یک رشته سخنرانی و مکالمات زنانه را بیشتر همکاری و اشتراک می‌داند (بلیک، ۱۳۸۲: ۱۴۸).

به نظر می‌رسد بخش مهمی از ادبیات زنانه، توجه به جزئیات و بخش دیگر آن شکل زبان، کاربرد کلمات خاص، مضامین و مفاهیم خاص است. بنابراین می‌توان از خلال زبان زنانه، به روان‌شناسی زنانه دست یافت و جهان زنانه را تحلیل کرد.

بنابراین، هدف از پژوهش حاضر بررسی تفاوت نحوی نوشتار زنان و مردان از منظر سبک‌شناسی است. بدین منظور، اثر «سووشون» دانشور و «سه‌تار» آل‌احمد به عنوان یکی از شاخص‌ترین آثار آنان، مورد بررسی قرار گرفته است تا به این پرسش پاسخ داده شود که چه تفاوت‌هایی میان سبک نوشتاری زنانه و سبک نوشتاری مردانه به لحاظ ساختار نحوی وجود دارد؟

۲- پیشینه پژوهش

در خصوص تفاوت‌های نگارش زن و مرد باید به ذکر این مهم پرداخت که بسیاری از محققان زبان‌شناسی بر وجود تفاوت‌های نگارشی زن و مرد تأکید کرده و از این رهگذر به بررسی جامع و بیان نتایج حاصل از این تفاوت‌ها پرداخته‌اند.

مگی^۷ (۲۰۰۹) بر این باور است که همه انسان‌ها، اعم از زن و مرد، همواره با جهان پیرامون خویش در ارتباطند. وی نوشتار را یکی از پدیده‌های ذهنی و راه‌های برقراری ارتباط و تعامل فرد با جهان پیرامون می‌داند که هویت و عقاید نویسنده در ورای آن نهفته است. به عقیده او در بسیاری از موارد، شماری از مؤلفه‌های نوشتاری نظیر سبک نگارش، نوع کلمات به کار رفته و متن نگاشته شده، میزان علاقه و ارجحیت دادن به نوشتن در مورد یک متن خاص تجلی‌گر هویت نویسنده است. سیان^۸ (۲۰۰۳) مهارت نوشتار را به طور کلی جزء مقوله‌های جدایی‌ناپذیر از جنسیت می‌داند. تحقیقات انجام شده توسط جونز و مایهیل^۹ (۲۰۰۷) و واسکیتا^۱ (۲۰۰۸) در این خصوص مؤید ادعای سیان

⁵ Raman Selden and Peter Widdowson

⁶ Coates

⁷ Magee

⁸ Sian

⁹ Jones & Myhill

(۲۰۰۳) است. نتایج دو بررسی مشابه انجام شده توسط این دو محقق نشان‌دهنده میزان علاقه و به دنبال آن، مهارت بیشتر زنان در نگارش متون بیانی^{۱۱} که عمدتاً از داستان (به‌ویژه داستان‌های عاشقانه)، افسانه، شرح خاطرات و بیان احساسات و روابط میان فردی تشکیل شده‌اند، است. از دیگر سو، مردان بیشتر به نگاشتن متون اطلاعی^{۱۲} نظیر بیان واقعیت‌های موجود یا حقایق علمی در خصوص یک موضوع خاص و در واقع انتقال دانسته‌ها و عقایدشان در مورد مسائل گوناگون و اظهار نظرهای منطقی در این راستا تمایل و مهارت نشان داده‌اند. به عقیده جونز و مایهیل (۲۰۰۷) ردپای سبک نگارش زنان و مردان در چنین تفاوت‌هایی مشهود است. فرنسیس، ریسون و رید^{۱۳} (۲۰۰۱) سبک نگارش را از جمله مهم‌ترین تفاوت‌های موجود در نگارش زن و مرد می‌دانند.

در باب تفاوت‌های سبک نگارش در زنان و مردان بسیاری از پژوهشگران بر بیانی بودن سبک نگارش زنان و اطلاعی بودن آن در مردان اتفاق نظر دارند؛ به عنوان مثال، آرگامون، کپل و فاین^{۱۴} (۲۰۰۵) در یک پژوهش جامع، با بررسی ساختار نحوی و لغوی متون بیانی و اطلاعی و پس از آن سبک نگارش زنان و مردان حاضر در پژوهش به بیانی بودن سبک نگارش در زنان و اطلاعی بودن آن در مردان پی بردند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که سبک نگارش زنان، حاوی مکتوباتی حاکی از میل به ایجاد تعامل میان نویسنده و خواننده، اصطلاحات و عبارات احساسی و غیر رسمی، کلمات عاطفی و ضمائر اول و دوم شخص و به عبارت دیگر بیانی است. از طرف دیگر، سبک نگارش مردان به واسطه کاربرد تعیین‌کننده‌ها^{۱۵}، مشخص‌گرهای اسمی^{۱۶}، توصیف‌گر اسمی^{۱۷} و وجود کلمات خنثی و بدون بار عاطفی، جملات کوتاه، صریح، رسمی و مستقیم، حاوی اطلاعات در مورد یک موضوع خاص و اطلاعی است.

دیگر بررسی‌های انجام شده در همین راستا مؤید نتایج تحقیقات آرگامون و همکاران است. فرنسیس و همکارانش (۲۰۰۱) از دیگر سو، سبک نگارش مردان را در بردارنده اطلاعات و متمرکز بر واقعیت می‌پندارند. کتلنس^{۱۸} (۱۹۹۸)، گالبی^{۱۹} (۲۰۰۱)، لانگی^{۲۰} (۲۰۰۸) و آماندا^{۲۱} (۲۰۱۰) نیز سبک

¹⁰ Waskita

¹¹ Descriptive texts

¹² Informative texts

¹³ Francis, Robson & Read

¹⁴ Argamon, Koppel & Fine

¹⁵ Determinant

¹⁶ Noun specifier

¹⁷ Noun modifier

¹⁸ Kathlence

نگارش هر نویسنده را معرف جنسیت وی و سبک نگارش بیانی و اطلاعی را به ترتیب به زنان و مردان نسبت می‌دهند.

با مرور ادبیات مرتبط، اثری که به بررسی تفاوت‌های سبک نحوی در نوشتار زنان و مردان اختصاص یافته باشد مشاهده نشد، اما در مورد سبک نگارش و ترجمه زنان و مردان می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود.

پژوهش رضوانی و احمدیان، به بررسی رابطه ترجمه و نوشتار با توجه به تفاوت‌های جنسیتی در کیفیت ترجمه متن بیانی و اطلاعی و سبک نگارش (بیانی و اطلاعی) مترجمان زن و مرد پرداخته است. نتایج این بررسی بیانگر وجود تفاوت معنادار میان کیفیت ترجمه مردان در متن بیانی با توجه به سبک نگارش آن‌هاست (رضوانی و احمدیان، ۱۳۸۹).

بهمنی و باقری، در پژوهش خود به مقایسه زبان زنان در آثار سیمین دانشور و جلال آل‌احمد پرداخته و چنین نتیجه می‌گیرند که شیوه متفاوت گفتار زنان و مردان بیشتر کارکرد جامعه‌شناختی دارد. اما همه شخصیت‌های زن آل‌احمد نیز، چنین ویژگی‌هایی را دارند. بسیاری از اندیشه‌های زنان داستان‌های دانشور به منظور شناخت شخصیت و هویت بیان می‌شوند، اما آل‌احمد ذهنیت زن را در نوشتارش به تصویر نمی‌کشد. احساسات مادرانه‌ای که در آثار دانشور به چشم می‌خورد بسیار پرشورند، اما شخصیت‌های آل‌احمد با چنین عواطفی غریبه‌اند. تفاوت بیان شده دیگر در موضوع گفتار شخصیت‌هاست. زنان داستان‌های دانشور از مسائل گوناگونی صحبت می‌کنند، در حالی که زنان داستان‌های آل‌احمد تنها به مسائل روزمره می‌پردازند. در نهایت، ساحت وجودی نویسندگان و قهرمان آن‌ها، منشأ تفاوت‌ها در نظر گرفته شده است (بهمنی و باقری، ۱۳۹۱).

همان‌گونه که مشاهده شد، آثار معرفی شده، بدون توجه به تفاوت‌های سبکی، تنها به بررسی تفاوت گفتار زنانه و مردانه پرداخته‌اند. البته آثاری وجود دارد که به بررسی‌های سبک‌شناسی پرداخته‌اند. از آن جمله می‌توان به اثر قوام و درپر (۱۳۹۰)، اشاره کرد. آن‌ها در پی پاسخ به این پرسش هستند که چگونه می‌توان ویژگی‌های سبکی متن یک نامه را در ارتباط با بافت بیرونی آن بررسی کرد و به نقش یا کارکرد ویژگی‌ها نیز پرداخت؟ قوام و درپر با استفاده از

¹⁹ Galbi

²⁰ Lange

²¹ Amanda

روش سبک‌شناسی لایه‌ای، ویژگی‌های سبکی متن را در چهار لایه کاربردشناسی، نحو، واژگان و بلاغت بررسی کرده و در نهایت، شیوه‌ای در سبک‌شناسی متون فارسی با رویکرد تحلیل گفتگو ارائه داده‌اند که ابزاری مناسب در مطالعه سبک متونی که کارکرد اجتماعی دارند، به شمار می‌آید. به عقیده آن‌ها، در لایه نحوی میزان قطعیت متن و نیز ساختمان جمله بررسی می‌شود. بر این اساس درجه بالای قطعیت، نشان‌دهنده‌ی موضع اقتدار و درجه پایین آن، نشان‌دهنده موضع ضعف است.

نیکوبخت (۱۳۹۱)، در پژوهش خود بر ضرورت تحلیل سبکی آثار داستانی زنان به عنوان روشی برگزیده در تحلیل ویژگی‌های زبانی، ادبی و اندیشگانی این آثار تأکید کرده است. وی برجسته‌ترین وجوه سبکی آثار زویا پیرزاد را با رهیافت سبک‌شناسی فمینیستی بررسی کرده و دریافت کرده است که در تمامی آثار این نویسنده، در سطوح مختلف متن (واژگان، جملات و سطح گفتمان)، دیدگاه زنانه به چشم می‌خورد. همچنین، سیر تحول اندیشه که به تحول زبان منجر می‌گردد، در آثار پیرزاد این‌گونه است: در مجموعه داستان‌های *مثل همه عصرها*، *طعم گس خرمالو* و *یک روز مانده* به عید پاک، زنان اسیر روزمرگی‌اند و بی‌اراده پیش می‌روند؛ در *رمان چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم* جایگاه زن مورد پرسش قرار می‌گیرد و در *رمان عادت می‌کنیم* با تحول نقش زن به عرصه کنش‌گری و فعالیت اجتماعی، توصیفی دیگرگون از هویت زنانه در نقش فاعلی ارائه شده است.

۳- روش پژوهش

جهت بررسی سبک نحوی نویسندگان زن و مرد، کتاب‌های *سه‌تار آل‌احمد* و *سوشون* دانشور انتخاب گردید. دلیل عمده این انتخاب داشتن اصول عقاید، جهان‌بینی، ابزارهای کار، قالب‌های سخن، تجربیات و مشاهدات، شباهت‌ها و یکسانی‌های بسیار بین این دو نویسنده است. افزون بر این، چاپ اول این دو کتاب به صورت هم‌زمان و هر در سال ۱۳۲۷ صورت پذیرفته است و در نتیجه نویسندگان این آثار متأثر از وضع اجتماعی واحد و همچنین وضع روحی یکسانی بوده‌اند. چراکه سال ۱۳۲۷، سال آشنایی این زوج نویسندگان نیز می‌باشد. با روش نمونه‌گیری تصادفی نظام‌مند، از کتاب *دویست صفحه‌ای سه‌تار*، پنج صفحه با فواصل چهل صفحه‌ای به عنوان نمونه برگزیده شد و از کتاب *سیصد صفحه‌ای سوشون*، پنج صفحه با فواصل شصت صفحه‌ای برای نمونه مورد ارزیابی قرار گرفت. هر صفحه *سه‌تار* ۲۱ خط دارد و

در هر صفحه سووشون حداقل ۵ یا ۶ خط بیشتر وجود دارد. برای اینکه مقدار مشخصی از متن مورد بررسی قرار گیرد، صرفاً ۲۱ خط اول هر صفحه مورد بررسی در سووشون، مدنظر قرار گرفت. با توجه به اتفاق نظر اکثر زبان‌شناسان در مورد مفاهیم و تعاریف دستوری گیوی و انوری (۱۳۸۸: ۱۹۰-۲۲۰)، در این پژوهش برای تعاریف مقوله‌های نحوی نیز از این کتاب استفاده شده است. بر این اساس، جملات استخراج شده از چند بعد مورد بررسی قرار گرفتند:

از حیث مفهوم جمله چهار نوع دارد. به‌وسیله جمله خبری از واقع شدن کاری یا بودن و پذیرفتن حالتی به صورت مثبت یا منفی خبر می‌دهیم (داوود آمد). جمله‌ای که به وسیله آن درباره امری پرسش می‌کنیم جمله پرسشی است (صالح کجاست؟). اگر یکی از عواطف انسانی مانند شادی، اندوه، تعجب و غیره را برسانیم، از جمله عاطفی استفاده کرده‌ایم (عجب گل زیبایی) و در جملات امری انجام دادن کاری یا داشتن و پذیرفتن صفت و حالتی به صورت مثبت یا منفی خواسته می‌شود (آرام شو).

از حیث نظم جملات دوگونه هستند. در جملات مستقیم یا دستورمند، اجزا و ارکان، نظم طبیعی و جایگاه مخصوص خود را دارند (مهدی شاید نتواند امتحان ریاضی بدهد) و در جملات غیرمستقیم یا نادرستورمند، نظم طبیعی جمله برهم خورده و اجزا و ارکان جای خاص خویش را ندارند (دریغ آدمم تربیت ستوران و آینه‌داری در محلت کوران).

جملات از حیث فعل بر سه قسم هستند. جملات فعلی با فعل تام (غیراسنادی) ساخته می‌شوند (خواندم). جمله‌ای که با فعل اسنادی (ربطی) ساخته شده باشد، جمله اسنادی است (امین مؤدب است) و جملاتی که در ظاهر فعل ندارند ولی از حیث ژرف‌ساخت دارای فعل تام یا اسنادی بوده و فعل آن‌ها به قرینه لفظی یا معنوی و یا به حکم عرف زبان حذف گردیده، جملات بی‌فعل هستند (خبردار).

از حیث ساختمان، جملات ساده و مرکب هستند. در جملات ساده فقط یک فعل به کار رفته است (اسد خوابید) و در جملات مرکب، بیش از یک فعل به کار رفته است که از حیث استقلال معنی و وابستگی یکی به دیگری بر دو گونه‌اند. جمله هسته یا پایه جمله ساده‌ای است که در جمله مرکب می‌آید و اغلب منظور اصلی گوینده یا نویسنده را در بر دارد و قابل

تأویل به مصدر یا صفت نیست (به درماندگان یاری کن). در مقابل، جمله ساده‌ای که در جمله مرکب همراه جمله پایه می‌آید، وابسته و پیرو آن است. یعنی مفهومی از قبیل شرط و زمان و علت و نتیجه و غیره را به مفهوم جمله اصلی می‌افزایند (تا خدا یار و مددکارت باشد). علاوه بر موارد ذکر شده، جملات از حیث کامل یا نیمه تمام بودن پیام نیز بررسی شدند. یعنی جملاتی که انتهای آن‌ها به چند نقطه ختم می‌شود و به نیمه‌تمام ماندن فکر نویسنده اشاره دارد. همچنین حذف فعل و فاعل نیز در جملات انتخابی مورد بررسی قرار گرفت.

۴- تجزیه و تحلیل داده‌ها

جملات استخراج شده از بخش منتخب کتاب سه‌تار ۲۰۳ جمله است که ۱۹۱ جمله آن خبری است. از حیث مفهوم جملات خبری بیشترین بسامد را در این دسته‌بندی دارند که تعدادی از آن‌ها به قرار زیر است: «در سمت مقابل گنجه - روبروی تل خاکروبه - دری باز شد»، «هاجر او را دید»، «مادرم ما را دعوا می‌کرد»، «غصام می‌شد»، «رنگش می‌پرید»، «چند دقیقه‌ای می‌ایستاد»، «آب را آشامید»، «مدتی همان دم در ایستاد»، «لال شده بودم» یا «بیزاری‌ام می‌گرفت». در این مجموعه ۹ عدد جمله پرسشی نیز مشاهده گردید، مانند: «کاسه بشقاب نمی‌خواهی؟»، «ببین اینا به دردت می‌خوره؟»، «چرا اینطور از خود بیخود می‌شود؟»، «چطوری بود؟» یا «چه حالتی به او دست می‌دهد؟». در بین این داده‌ها شاهد جملات امری «ببین» و «خودت بگو» و عاطفی «واخ! خدا جونم مرگت کنه» هستیم.

از حیث نظم ۴ جمله نادرستی مانند «خب چه کنم داداش» یا «دور هر کدام روی سه یا چهار تا صندلی لهستانی، ناهارخورها نشسته بودند» مشاهده می‌گردد. همچنین شاهد ۱۳ جمله مجهول در میان داده‌ها هستیم، مانند: «نباشته از ... شده بود»، «سر دلشان باز شده بود»، «خیس شده است» یا «مادرمان عصبانی می‌شد».

از حیث فعل ۱۶۸ جمله فعلی هستند، مانند: «کاسه بشقابی را صدا زد»، «از راه رسید»، «هاجر او را دید»، «بی‌صدا اشک از چشمانش سرازیر می‌شد»، «آن شب او هم آمد»، «دل‌م می‌خواست کسی را گیر بیاورم» و «بی‌زاری‌ام می‌گرفت». در این بخش ۳۳ جمله اسنادی وجود دارد، همانند: «یکی دیگرم هم بود»، «هر وقت با این خواهر بدجنسم بودم»، «بام هم پیدا بود»، «معلوم نبود»، «حالا هم همانطور شده بود» یا «همه چیز برایم خسته‌کننده بود». ۳ جمله بی‌فعل نیز دیده می‌شود، مانند: «دلیل شده» یا «همه‌همه‌ای آرام و در خور محیط بانک».

از حیث ساختمان ۲۷ جمله ساده مانند «با خود گفت» وجود دارد و ۵۰ جمله مرکب مانند «ما که کف دستمونو بو نکرده بودیم که بدونیم تو امروز از اینجا رد می‌شی». در میان جملات مرکب ۵۴ بند پیرو و ۷۱ بند پایه مشاهده می‌گردد. در جمله‌ای مانند «من به خصوص از گریه‌اش خوشم می‌آمد»، «من به خصوص از گریه‌اش خوشم می‌آمد»، پایه و «که بی صدا بود» پیرو است.

در ۵ مورد جمله ناتمام رها شده است، مانند: «دلَم را به درد آورده بود ...» یا «شوم تازه از بازار خریده ...». تعداد جملات بی‌فعل اندک است و تنها در ۳ نمونه جمله بی‌فعل استفاده شده است، مانند: «پا نه». اما در ۱۱۷ نمونه شاهد حذف فاعل از جمله هستیم، مانند: «خب چه کنم داداش؟»، «کمی فکر کرد»، «کاسه بشقاب نمی‌خوای؟»، «کاسه بشقابی را صدا زد»، «باز نزدیک بود بایستند»، «تصمیم می‌گرفت» یا «دفترها را مرتب کرد».

نتایج به‌دست آمده از بررسی رمان سه‌تار در جدول زیر با توجه به بسامد موارد نحوی ارائه می‌شود:

سه‌تار		ص ۴۰	ص ۸۰	ص ۱۲۰	ص ۱۶۰	ص ۲۰۰	جمع
از حیث مفهوم	خبری	۳۳	۵۲	۳۵	۲۶	۴۵	۱۹۱
	پرسشی	۴	-	۵	-	-	۹
	عاطفی	۱	-	-	-	-	۱
از حیث نظم	امری	۲	-	-	-	-	۲
	غیرمستقیم (نادستوری)	۲	-	۱	۱	-	۴
	جمله مجهول	۲	۵	۶	-	-	۱۳
از حیث فعل	فعلی	۳۵	۴۰	۳۱	۲۲	۴۰	۱۶۸
	اسنادی	۵	۱۲	۹	۳	۴	۳۳
	بی‌فعل	۱	-	-	۱	۱	۳
از حیث ساختمان	ساده	۱۰	۵	۴	۳	۵	۲۷
	مرکب	۹	۱۱	۱۰	۸	۱۲	۵۰
	همپایه	۵	۵	۵	۵	۵	۲۵
	ناهمپایه	۴	۱۰	۶	۵	۹	۳۴
	پایه	۱۶	۱۷	۱۵	۱۳	۱۰	۷۱

۵۴	۱۶	۱۰	۱۱	۱۳	۴	پیرو	
۵	۱	-	-	-	۴	جملات ناتمام	از حیث پیام
۳	۱	۱	-	-	۱	فعل	حذف
۱۱۷	۴۰	۱۱	۲۰	۲۸	۱۸	فاعل	
۲۰۳	۴۵	۲۶	۴۰	۵۲	۴۰	تعداد جملات	

جدول ۱. مقولات نحوی استفاده شده در سه تار آل احمد

از مجموع داده‌های مورد بررسی در رمان سووشون تعداد ۲۴۷ جمله استخراج شد. از حیث مفهوم جملات خبری با تعداد ۲۱۸ مورد بالاترین بسامد وقوع را دارا هستند، موارد زیر شاهدهی بر این ادعاست:

«خانم فاطمه بستی چسبانید»، «همه خانم وافور را رها خورد»، «به خانم فاطمه نگاه کرد»، «دیر وقت است»، «حرفش را تمام نکرد»، «زری دلم تنگ است»، «یک کلمه از حرف‌های تو را نفهمیدم»، «سرلشگر با چکمه‌اش زده زیر دست پیرزن»، «آن روز عصر در باغ تنها بود»، «اینک تمام جمعیت به شاهراه ریخته‌بود»، «ماشین‌ها از دو طرف پشت سر هم ایستادند» و «بر سر جنازه تنها زری و خان کاکا مانده بودند». جملات پرسشی با ۱۷ مورد وقوع در رده بعدی دسته‌بندی مفهومی قرار دارند، جملاتی مانند «با چه جواز خروجی؟»، «نمی‌دانستی که زن‌داداشم بی اجازه یوسف آب نمی‌خورد؟»، «با چه پاسپورتی؟»، «مگر عزت‌الدوله را نمی‌شناسی؟»، «چرا نفرمودید؟»، «شما چرا عوام‌الناس را گستاخ می‌کنید؟» و «از کدام راه؟». ۱۱ جمله امری در صفحات برگزیده این کتاب وجود دارد از جمله: «صبر کنید»، «از او اجازه بگیرید»، «بکشیدش»، چند روز اسب را بفرستید»، «چیزی بگو»، «به این قرآن قسم بخور»، «ان دفعه بیخشش»، «به حضرت والا سلام برسان» و «گورتان را گم کنید». از حیث مفهوم جمله عاطفی کم‌ترین تعداد را شامل می‌شود و تنها یک مورد دیده می‌شود: «کاش من هم مثل کاکایم حرف یوسف خان را شنیده بودم».

از حیث نظم دو دسته نادرستی و مجهول وجود دارد. در متن مورد بررسی ۲۴ جمله نادرستی مشاهده شد: «شده یک پا کارچاق کن»، «خودم می‌روم پیش حاکم»، «غلام با ته تفنگ خواست بزند به کمر مار»، «خزید زیر میز»، «اگر زدم به کوه»، «با چکمه‌اش زده زیر

دست پیرزن»، «چلچراغ از زیر طبق افتاد زمین»، «نشست روی زمین به جمع کردن خرده بلورها» و «حجله قاسم را هدایت کردند با باغ». تنها ۶ جمله مجهول در صفحات مورد استفاده دیده شد: «شده است شهر سگساران»، «نقل‌هایش اخیراً تکراری شده»، «اشتیاق برای شنیدن جریان حادثه چنان در جان‌ش انگیخته شده بود» و «در معتبرترین روزنامه محلی نوشته شده بود».

از حیث فعل جملات فعلی بسیار پرتکرار هستند مانند: «خدا شاهد است که گفتم»، «پکی به بافور زد»، «خان کاکا خشمگین داد زد»، «من که می‌گذارم و از این ولایت می‌روم»، «خیال کردی به این آسانی می‌شود رفت»، «اول سرش را شق کرد»، «قربان نمی‌دانستم اخوی جناب عالی هستند»، «اگر جسارتی شده عذر می‌خواهم»، «یقین داشت عزت‌الدوله تا مدتی در عرش سیر خواهد کرد»، «دو هفته می‌شد یوسف را ندیده بود» و «صدای تیر آمد». ۲۳ مورد جمله اسنادی در داده‌های استخراج شده وجود دارد که در مقابل ۱۹۷ جمله فعلی تعداد زیادی نیست، مانند «ممکن است راست بگوید»، «خدا شاهد است»، «چه جنگ زشتی بود»، «آن روز عصر در باغ تنها بود»، «زیر نظر ایشان نظافت و ضدعفونی شد» و «با هم گلاویز شدند». ۶ جمله بی‌فعل مشهود است مانند «به خداوندی خدا»، «به ائمه اطهار»، «هفت قرآن به میان»، «آن هم زمان جنگ» و «مأمور را در حین انجام وظیفه با مار تهدید...».

از حیث ساختمان تعداد زیادی از جملات ساده هستند، از «جمله زری اندیشید» یا «منشی حاکم گفت». تعداد ۵۶ جمله مرکب وجود دارد که از این میان ۲۸ جمله همپایه و ۲۷ جمله ناهمپایه است؛ ۸۲ جمله پایه و ۵۰ جمله پیرو است. چند نمونه از جملات مرکب همپایه از این قرار است: «خدا شاهد است که گفتم» در این مثال «خدا شاهد است» پایه و «که گفتم» پیرو است. یا در جمله مرکب «یک سیلی به درجه داری که دم دستش بود گفت»، «یک سیلی به درجه داری زد»، پایه و «که دم دستش بود» پیرو است. در جمله مرکب همپایه «خودت بریده‌ای و خودت دوخته‌ای»، هر دو جزء به صورت دو پایه مستقل همپایه هستند و در جمله‌ای مثل «دیروقت است و گرنه شرفیاب می‌شدیم» با جمله مرکب ناهمپایه مواجه هستیم.

در ۱۱ مورد نویسنده سووشون جملات خود را ناتمام رها کرده است، مانند: «آن هم زمان جنگ ...»، «سهراب خان از میدان جنگ می‌گفتی...»، کاری به کارش نداشته باشی ...»، «پدرتان حرمت مردها را ...» یا «کاری به کارش نداشته باشی...».

در ۲۴ مورد شاهد حذف فعل و در ۱۰۴ مورد شاهد حذف فاعل هستیم، مانند «یکی را گذاشت جلوی زری و یکی را گذاشت جلوی خودش» که دانشور هم حذف فاعل کرده است، هم حذف فعل. یا در جملات «گفت»، «دو تا چای ریخت»، «رو به جمعیت فریاد کشید»، «چیزی بگو»، «اما کوچک‌ترین اشاره‌ای در هیچ روزنامه‌ای به اسم ملک سهراب نمی‌دید» یا «دو هفته می‌شد یوسف را ندیده بود» که در آن‌ها فاعل جمله حذف شده است. در جملات «از کدام راه؟»، «با چه پاسپورتی؟» «گفتنی بود اما نه برای یوسف»، «من هم رویش» شاهد حذف فعل هستیم.

مجموع نتایج به‌دست آمده از بررسی رمان سووشون در جدولی به شرح ذیل به صورت خلاصه با توجه به بسامد ارائه می‌شود:

سووشون		ص ۶۰	ص ۱۲۰	ص ۱۸۰	ص ۲۴۰	ص ۳۰۰	جمع
از حیث مفهوم	خبری	۵۱	۴۶	۵۰	۳۵	۳۰۰	۲۱۸
	پرسشی	۸	۴	-	-	۵	۱۷
	عاطفی	-	-	۱	-	-	۱
	امری	۳	۳	۱	۳	۱	۱۱
از حیث نظم	غیرمستقیم (نادستوری)	۶	۸	۳	۲	۵	۲۴
	جمله مجهول	۱	۱	۱	۲	۱	۶
از حیث فعل	فعلی	۴۲	۴۸	۴۲	۲۷	۳۸	۱۹۷
	اسنادی	۷	۴	۷	۳	۲	۲۳
	بی‌فعل	۳	۱	-	-	۲	۶
از حیث ساختمان	ساده	۲۰	۲۴	۱۱	۷	۱۶	۷۸
	مرکب	۱۵	۱۲	۱۱	۱۰	۸	۵۶
	همپایه	۸	۸	۳	۴	۵	۲۸
	ناهمپایه	۷	۴	۸	۵	۳	۲۷
	پایه	۲۰	۲۲	۱۶	۱۰	۱۴	۸۲
از حیث پیام	پیرو	۱۰	۶	۲۰	۱۰	۴	۵۰
	جملات ناتمام	۱	۳	۲	۴	۱	۱۱
حذف	فعل	۹	۲	۳	۷	۳	۲۴

۱۰۴	۱۵	۱۷	۲۱	۲۷	۲۴	فاعل	
۲۴۷	۴۲	۳۸	۵۲	۵۳	۶۲	تعداد جملات	

جدول ۲. مقولات نحوی استفاده شده در سووشون دانشور

جدول زیر مقایسه نکات نحوی نوشتار دو نویسنده مورد بررسی را نشان می‌دهد:

تعداد جملات	حذف فاعل	حذف فعل	جملات ناقص	مجهول	پیرو	یانه	ناهمپایه	همپایه	مرکب	ساده	بی فعل	اسنادی	فعلی	غیر مستقیم	امری	عاطفی	پرسی	خبری	سه تار	سووشون
۲۰۳	٪۵۸	٪۱	٪۲	٪۶	٪۲۷	٪۳۵	٪۱۷	٪۱۲	٪۲۵	٪۱۳	٪۱	٪۱۶	٪۸۳	٪۲	٪۱	٪۵	٪۴	٪۹۴		
۲۴۷	٪۴۲	٪۱۰	٪۴	٪۲	٪۲۰	٪۳۳	٪۱۱	٪۱۱	٪۲۲	٪۲۲	٪۲	٪۹	٪۸۰	٪۱۰	٪۴	٪۴	٪۷	٪۸۸		

جدول ۳. مقولات نحوی استفاده شده توسط دانشور و آل احمد در سه تار و سووشون

بارزترین ویژگی بیشتر بودن تعداد جملات دانشور (۲۴۷ جمله) در مقایسه با آل احمد (۲۰۳) در مقدار مشخصی از متن است. این نکته نشان دهنده کوتاه‌تر بودن جملات این زن در مقایسه جملات نوشته آل احمد است. اما بر خلاف نظر محققان گذشته این افزایش در جملات مرکب جبران نشده است، بلکه همان‌گونه که مشاهده می‌شود، این تعداد جملات ساده است که در اثر دانشور (٪۳۲) به مراتب بیشتر از اثر آل احمد (٪۱۳) است، مانند «خان کاکا قسم خورد.» یا «یک مار از کیسه درآمد.»

کاربرد وجه امری (٪۴) و پرسشی (٪۷) در سووشون دانشور بیشتر از سه تار آل احمد (٪۱) و ٪۴ است. علاوه بر این تعداد جملات نادرستی (غیرمستقیم) مورد استفاده دانشور بیشتر (٪۱۰) از همین نوع جملات در اثر آل احمد (٪۲) است، از جمله، «اگر زدم به کوه»، «چهلچراغ از روی طبق افتاد زمین»، «شده است شهر سگساران» یا «با چکمه‌اش زده زیر دست پیرزن». این نکته پایبندی بیشتر آل احمد به قواعد دستوری زبان را نشان می‌دهد.

دانشور تعدادی بیشتری از جملات را ناتمام گذاشته که این مطلب با گذاشتن چند نقطه در متن خودش را نشان می‌دهد، مانند «شده یک پا کار چاق کن...»، «سهراب خان از میدان جنگ می‌گفتی...»، «پدرتان حرمت مردها را...» یا «کاری به کارش نداشته باشی...». لازم به ذکر است در سایر موارد تفاوت معناداری مشاهده نمی‌شود و هر دو نویسنده زن و مرد به یک نوع رفتار کرده‌اند.

۵- نتیجه‌گیری

در این پژوهش به مقایسه ساختار نحوی نوشتار دو نویسنده ایرانی، دانشور و آل‌احمد پرداخته شد تا به این پرسش پاسخ داده شود که آیا می‌توان به تفاوت‌هایی میان سبک نحوی زنانه و مردانه قائل بود یا خیر. پس از تجزیه و تحلیل لایه نحوی دو اثر از دو نویسنده زن و مرد، دانشور و آل‌احمد که در این پژوهش به آن پرداخته شد، مشخص گردید که در مقدار مشخصی از متن، تعداد جملاتی که نویسنده زن به کار برده به مراتب بیش از نویسنده مرد است چرا که جملات استفاده شده توسط نویسنده زن، کوتاه‌تر و ساده‌تر به نظر می‌آیند. این نتیجه همسو با پژوهش هیات^{۲۲} (۱۹۷۰) است که نشان داده است نویسندگان زن به طور کلی از جملات کوتاه‌تری استفاده می‌کنند و این جملات از لحاظ ساختاری نیز از جملات بلند ساده‌تر هستند. کوتاهی جملات را می‌توان با جزئی‌نگری دانشور مرتبط دانست زیرا زنان اغلب به جزئیات توجه بیشتری نشان می‌دهند و این جزئی‌نگری سبب می‌شود جمله کوتاه‌تری را به کار برند. در این موارد، زمان تمرکز روی شیء کوتاه است و در نتیجه جمله کوتاه و خبری می‌شود این یکی از مشخصات نحو روایی زنان است که در سبک نحوی دانشور نیز مشاهده شده است. هایت (۱۹۷۷:۱۳۴) ادعان داشته است که به‌طور کلی پیچیدگی سبک نوشتاری زنان بسیار کمتر از مردان است.

همان‌گونه که ذکر شد، کاربرد بالای وجه اخباری، امری، ساخت معلوم و ساخت اسنادی، نشان‌دهنده قطعیت بالای متن و کاربرد بالای ساخت التزامی، شرطی، پرسشی و مجهول نشان‌دهنده قطعیت پایین متن است. اما نمی‌توان قطعیت این دو اثر را بر این اساس تعیین کرد. زیرا در نوشته آل‌احمد، ساخت خبری، اسنادی و مجهول کاربرد بیشتری از نوشته دانشور دارد. در مقابل ساخت امری و پرسشی در سووشون بیشتر از سه‌تار است. این در حالی است که

طبق نظر گودوین^{۲۳} (۱۹۸۰)، مردان بیشتر از زنان از ساختار امری استفاده می‌کنند اما نتایج نشان می‌دهد که در نوشتار دانشور این امر معکوس تحقق یافته است. در تصدیق استفاده زیادتر از جملات پرسشی توسط دانشور می‌توان به پژوهش لیکاف^{۲۴} (۱۹۷۵) اشاره کرد که زنان از جملات سؤالی بیشتری نسبت به مردان استفاده می‌کنند. این امر نیاز به تأیید و تصدیق دیگران را نشان می‌دهد و شاهی بر عدم اطمینان و مردد بودن آنان است در سووشون، شاهد جملات بسیار سؤالی، بریده بریده و متزلزل همراه با شاید و باید و شک و تردید شخصیت اصلی رمان، زری هستیم و عدم اطمینان او در مقابل جملات قاطع همسرش کاملاً مشهود است.

آل احمد خود را مقید به رعایت اصول دستوری می‌دانسته، در حالیکه دانشور از زبان عامیانه بیشتر بهره گرفته است و در موقعیت‌های گوناگون جملات را خارج از نظم دستوری آن استفاده کرده است. این نتیجه برخلاف پژوهش لباو^{۲۵} (۱۹۹۰) است که اذعان دارد در حالیکه مردان به طور کلی از فرم عامیانه بیشتر از زنان استفاده می‌کنند، در زمینه تغییر زبانی زنان خلاق‌تر هستند و فرم‌های زبانی استاندارد و معیار را که دارای پرستیژ و اعتبار بیشتری است، در گفتار خود به کار می‌برند.

همچنین بر خلاف آن‌چه پژوهش‌هایی مانند هایت (۱۹۷۷) و اسکاتس^{۲۶} (۱۹۸۱) نشان داده‌اند که زنان از جملات تعجبی بیشتری نسبت به مردان استفاده می‌کنند اما در پژوهش حاضر، بسامد جمله‌های تعجبی و عاطفی در نوشته نویسنده زن بالاتر نبود و هر دو نویسنده به یک میزان از این نوع جملات استفاده کرده‌اند. این امر در حالی است که انتظار می‌رود زنان احساسات و عواطف زیادتری را در نوشتار خود وارد کنند (لئورناردی^{۲۷}، ۱۹۸۶: ۱۵۰).

مرور نمونه‌ها نشان می‌دهد که در فمینیسم دانشور جلوه‌هایی از فرهنگ کهن مردسالاری، ناهنجاری‌های رفتاری مردان در قبال زنان، مظلومیت زنان، والایی جایگاه زن و حتی پناه بردن زن به نیروهای ماورایی به دلیل ناامنی‌های اجتماعی و بی‌پناهی او بازتاب یافته است. از سوی دیگر، بر خلاف این‌که در داستان سه‌تار روای داستان زن است و انتظار می‌رود ویژگی‌های

²³ Goodwin

²⁴ Lakoff

²⁵ Labov

²⁶ Scates

²⁷ Leonardi

سبک زنانه در آن دیده شود، مشاهده می‌شود که تحت تاثیر تفکرات نویسنده مرد (آل احمد) ویژگی‌های زنانه راوی زن رعایت نشده است و سبک نحوی این داستان بر اساس سبک مردانه است.

در این پژوهش مشخص شد که دانشور جملات بیشتری را به صورت ناتمام گذاشته است. طبق نظر زیرمن و وست^{۲۸} (۱۹۷۵) مردان بیشتر صحبت زنان را قطع می‌کنند تا کنترل مکالمه را به دست گیرند و تسلط خود را نشان دهند. اما مشاهده می‌شود که تعداد جمله‌های ناتمام با مکث و سکوت که حاکی از قطع کلام است، در نوشتار دانشور بیشتر است و این نتیجه همراستا با پژوهش لئوناردی (۱۹۸۶) است که بیان می‌کند عدم اتمام جمله از مشخصه‌های بارز نوشتار زنان است.

با توجه به نتایج پژوهش حاضر می‌توان گفت که قائل شدن به سبک نحوی زنانه و مردانه در نحوه چینش کلمات در کنار یکدیگر و ترکیب آن‌ها به صورت جملات در خلق اثر و نوع نگاه به زندگی و پرداختن به مسائل مختلف آن نقش دارد که باید در بررسی‌های زبان‌شناختی جهت تبیین تفاوت‌های سبکی زنانه و مردانه مدنظر قرار گیرد. اینگونه تفاوت‌ها آثار نویسندگان زن را از مرد متفاوت می‌کند و در شخصیت‌پردازی آن‌ها تأثیر می‌گذارد. اما در پژوهش حاضر مشاهده شده است که در تعدادی موارد دانشور سبکی شبیه سبک مردانه داشته است و می‌توان تاثیرگذاری آل احمد را بر وی مشاهده کرد. این امر را می‌توان بدین صورت توجیه نمود که تأثیر زن و مرد بر یکدیگر در زندگی مشترک امری اجتناب ناپذیر است و بدون شک این تأثیر متقابل در رفتار آن‌ها تبلور خواهد یافت. اما به طور کلی بیش‌تر حوزه‌ها، شیوه‌ها و ویژگی‌هایی که برای آثار زنانه برمی‌شمرند، در نوشته دانشور دیده می‌شود و تفاوت نوشتاری بین آثار دانشور و آل احمد از نظر جنسیت، به خوبی قابل مشاهده است. بنابراین، می‌توان گفت نویسندگان زن و مرد حتی در نحوه چینش کلمات و جملات نحوی سبک منحصر به فرد خود را دارند که در دیگر آثار ادبی قابل بررسی هستند.

منابع

۱. آل احمد، جلال. (۱۳۴۹). سه‌تار. تهران: چاپخانه سپهر، چاپ سوم.
۲. بلیک، آر. ال. (۱۳۸۲). زبان‌شناسی قدم‌اول. تهران: نشر و پژوهش شیرازه.
۳. بهمنی مطلق، یدالله و باقری، نرگس. (۱۳۹۱). مقایسه زبان زنان در آثار دانشور و جلال آل احمد. فصلنامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ، سال سوم، شماره یازدهم، صص ۵۹-۴۳.
۴. دانشور، سیمین (۱۳۷۷). سووشون. تهران: انتشارات خوارزمی.
۵. رضوانی، رضا و احمدیان، محبوبه. (۱۳۸۹). نقش تفاوت‌های جنسیتی در کیفیت ترجمه: بررسی سبک نگارش مترجمان زن و مرد. مجله مطالعات زبان و ترجمه (دانشکده ادبیات و علوم انسانی)، شماره دوم.
۶. سلدن، رمان و ویدوسون، پیتر. (۱۳۷۷). راهنمای نظریه ادبی معاصر. مترجم: عباس مخبر، تهران: نو.
۷. فتوحی، محمود. (۱۳۹۰). سبک‌شناسی نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها. تهران: نشر سخن.
۸. قوام، ابوالقاسم و درپر، مریم. (۱۳۹۰). سبک‌شناسی لایه‌ای: توصیف و تبیین بافتمند سبک‌نامه شماره یک
۹. غزالی در دو لایه کاربردشناسی و نحو. فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، سال چهارم، شماره دوم، شماره پیاپی ۱۲، صص ۲۱۳-۱۹۳.
۱۰. گیوی، حسن و انوری، حسن. (۱۳۸۸). دستور زبان فارسی ۱. تهران: انتشارات فاطمی.
۱۱. نیکویخت، ناصر. (۱۳۹۱). روند تگ‌وین سبک زنانه در آثار زویا پیرزاد تحلیلی بر سبک‌شناسی فمینیستی. فصلنامه علمی پژوهشی نقد ادبی، سال ۵، شماره ۱۸، تابستان، صص ۱۵۲-۱۱۹.

- Amanda, C. (2010). *Venus vs. Mars: Gender differences in writing*. Retrieved October 28, 2010, from <http://www.linkinohub.elsevier.com>
- Argamon, S., Koppel, M. & Fine, J. (2005). *Gender, genre, and writing style in formal written texts*. Retrieved October 28, 2010, from <http://www.cs.biu.ac.il>
- Francis, B., Robson, J & Read, B. (2001). An analysis of undergraduate writing styles in the context of gender and achievement. *Studies in Higher Education*, 26(3), 313-326.
- Galbi, D. (2001). *Women and men communicate differently*. Retrieved April 10, 2011, from <http://www.romtext.cf.ac.uk>
- Goodwin, M. H. (1980). Directive-response speech sequences in girls' and boys' task activities.' in McConnell-Ginet, Borker and Furman (eds.) 1980. 157-173.
- Glick, P. & Rudman, L. (2008). *The social psychology of gender*. New York: Guilford.

- Hiatt, M. (1977). *The Way Women Write*. New York: Teachers College Press.
- Jones, S. Myhill, D. (2007). Discourse of difference: Examining gender differences in linguistic characteristics of writing. *Canadian Journal of Education*, 30(2), 456-482
- Labov, W. (1990). The intersection of sex and social class in the course of linguistic change. *Language Variation and Change* 2 (1990), 205-254.
- Lakoff, R. (1975). *Language and woman's place*. *Language and society*, 2, 45-79.
- (1990). *Talking power: The politics of language in our lives*. New York: Basic.
- Lange, C. (2008). Men and women writing women: The female perspective and feminism in U.S. novels and African novels in French by male and female authors. *UW-L Journal of Undergraduate Research*, 11(2), 256-269.
- Magee, S. (2009). Young scholars in first year writing college admission essay: A genre of masculinity. Retrieved October 28, 2010, from <http://www.cs.biu.ac.il>
- Tufte, V. (1971). *Grammar as style*. USA: Holt, Rinehart and Winston, Inc.
- Scates, C. (1981). A Sociolinguistic Study of Male/Female Language in Freshman Composition. unpublished doctoral dissertation. University of Southern Mississippi, Hattiesburg, Mississippi.
- Sian, J. (2003). Women's writing in present-day China. *China perspectives*, 45(5), 2-14.
- Verdonk, P. (2002). *Stylistics*. Oxford: Oxford University Press.
- Waskita, D. (2008). Differences in Men's and Women's ESL Academic Writing at the University of Melbourne. *Jurnal Sositoknologi*, 14 (7), 448-463.
- Zimmerman, D. And West, C. (1975). *Sex roles, interruptions and silences in conversation*. In Thorne, B. and Henley, N. (eds) (1975) *Language and Sex: Difference and Dominance*. Rowley: Newbury House.